

ژاپن در جبل المتین

آخرین بخش

دوم: فضیلت‌های ژاپنیان

جبل المتین خصائل نیک و فضیلت‌های اخلاقی ژاپنیان را بارها یاد آورده و برشمرده است، با این نیت و امید که بزرگان ایران از آن سرمشق بگیرند. فضیلت‌های ژاپنیان در آئینه جبل المتین بیشتر آن است که در طبیعت و منش و رفتار پادشاه و دولتمردان و سرداران ژاپن جلوه و نمود دارد، و از فضایل مردم و ملت ژاپن به طور عام، جز ادب و آرامش و اطاعت و حمایت آنها از گردانندگان صالح امور کمتر سخن گفته است.

امپراتور ژاپن

جبل المتین سراپا تحسین و ستایش از امپراتور میجی Meiji (پادشاهی از ۱۸۶۷ تا ۱۹۱۲ م.) یا به عبارت خود این روزنامه «امپراطور متسوهیتو میکادو^{۲۱} ژاپون» است. در شماره ۲ سال سیزدهم (۴ رجب ۱۳۲۳ / ۴ سپتامبر ۱۹۰۵) میکادورا برای تصمیم او به پایان دادن جنگ با روس ستوده است، و در شماره ۴ همان سال (۱۸ رجب ۱۳۲۳ / ۱۸ سپتامبر ۱۹۰۵) اهمیت پادشاه را در زندگی و سرنوشت ملل شرق با آوردن نمونه میکادو یاد آور شده است، در پی این بحث، پس از اشاره ای به ادوار تاریخ ایران و یاد آوردن این که علت اوج و حضيض و منزلت و سعادت کشور و مردم «همان اختلاف احوال و عقاید پادشاهان و فرمانروایان بوده» نتیجه گرفته است که:

امروز اگر ما بخواهیم پیش بینی کرده دامنه استقبال را بلند و ملاحظه ترقی و تنزل خود را استکشاف نماییم بهترین معیاس صحیح ملاحظه حال و اخلاق و خصائل ولیمهد مملکت است....

و ولیعهد، محمد علی میرزا، را چنین پند داده است:

پس اگر چندی وقت عزیز را صرف اصلاحات ملکی و تعمیر بلاد و ترضیه حال عباد و وضع قوانین عدل و داد و اشاعه علوم و معارف فرماید، دیری نگذرد که ملک آباد و رعیت دلشاد و اهالی در جو معالی طیران نمایند، و به ذروه عزت و سعادت و شرف رسند.

حبل المتین پس از درگذشت امپراتور میجی تصویر او را سوار بر اسب در قطع بزرگ با عنوان «اعلیحضرت متسوهیتو میکادو امپراطور اعظم کل ممالک ژاپون» در صفحه اول شماره ۸ سال بیستم (۲۱ شعبان ۱۳۳۰/۵ اوت ۱۹۱۲) چاپ کرد که در زیر آن نوشته است: «اعظم ضایعات آسیا: زنده کننده ملت ژاپون - محسن بزرگ امت شرق»، و سرمقاله خود را با عنوان «رحلت امپراطور ژاپون» در دو صفحه به این واقعه اختصاص داد. در این مقاله پس از شرح مساعی امپراتور برای تعالی و سعادت کشور و ملت خود، می گوید:

ترقیات ژاپون در قلیل زمان عهد میکادو محببترین ترقیات این عالم اعم از شرق و غرب شناخته شده [...] تاریخ نشان نمی دهد که هیچ پادشاهی محبوب تر از امپراطور متوقی ژاپون در ملت خود باشد [...] در حقیقت اساس تعلیمات را میکادو در ملت خود به وطنخواهی و دولت پرستی مستحکم فرمود...

بزرگترین حقی که این امپراطور معظم به شرقیان دارد این است که باطل فرمود قول جمیع فلاسفه و سیاسیون غرب را که در کتب خود با دلایل می نگاشتند که شرقین قابلیت ترقیات اهالی غرب را ندارند [...] این سه مملکت (ایران، عثمانی و چین) همیشه در تهدید و فشار روس بودند، و از خوف روس که سلطنت مستبده بود و هست قدرت ترویج مشروطیت و جمهوریت در خود نمی دیدند. لذا باید گفت اعلیحضرت متسوهیتو میکادوی متوفی مروج آزادی در کلیه مشرق و پدر ژاپونیان و محسن حقیقی شرقیان بود.

امپراتور ژاپن به اتحاد ملل شرق هم اهتمام داشت:

امپراطور متسوهیتو از چند سال به این طرف کمال میل و توجه را به طرف اتحاد ملل شرقیه و سلاطین شرق داشت چنانچه [=چنان که] کیسیون مخصوص به دربار ایران گسیل فرمود^{۳۰} و یک هیأت بحریه به اسلامبول فرستاد ولی چون هنوز ما و برادران ما عثمانی به منافع آجل بی نبرده و روابط عاجل از ژاپون را این قدرها مفید به حال خود تصور نمی کردیم صرف نظر از دوستی و روابط با این دولت قویه شرق نمودیم. ولی علت عمده همانا موانع باطنی یعنی قوت روس بود که ایران و عثمانی را مانع از اتحاد و روابط با ژاپون بودی.

ستایش حبل المتین از امپراتور میجی، تا آن جا بود که میکادونامه، سروده میرزا حسین علی تاجر شیرازی را درباره جنگ روس و ژاپن، در سال ۱۳۲۵ ه. ق. در کلکته جزء

انتشارات خود چاپ کرد. میکادونامه کتاب شعری ست به سبک شاهنامه و سراسر ستایش طرح و عملیات رزمی فرماندهان ژاپنی و پیروزیهای آنان در جنگ. سراینده اش، که شاید آن را به سفارش یا تشویق مدیر جبل المتین سروده، در پایان کتاب نوشته است: «در این موقع حسب الخواهش یکی از دوستان، به اسم میکادونامه این دو هزار و اند بیت را که در حقیقت اشعار بر جنگ و وضع دول همسایه است جهت تنبیه ابناء ملت به نظم آورده، امید است که مقبول ارباب اطلاع افتد (۱۳۲۳)».

سرداران و سران دولت

جبل المتین عزت و اعتلای ژاپن را پس از رای و همت امپراتور به برکت فضایل سرداران و دیوانسالاران این ملک می داند. در شماره ۷ سال دوازدهم (۷ شعبان ۱۳۲۲/۱۷ اکتبر ۱۹۰۴) در وصف مهارت و لیاقت سرداران ژاپن به نقل از روزنامه روسی نوپوریمیا نوشته است:

جنگهای ژاپونیان و غزواتشان نقل هر مجلس و شمع هر محفل گشته، مگر نه عالم سیاست امروز واله و حیران اعمال کوروکی و اوکو شده اند، و آنان را صاحب مهارت و خیرت تامه در فنون حریه می داند؟

در شماره ۵ سال سیزدهم (۲۵ رجب ۱۳۲۳ / ۲۵ سپتامبر ۱۹۰۵) در وصف محاسن اوایاما، سردار ژاپن در جنگ با روس می خوانیم:

از فرمانی که به او داده می شود سر مویی انحراف نوزیده و در اجرا و انفاذ تمامی او بدون کسر و نقصان قضور نمی ورزید.

در اخلاق دریا سالار تو گو نوشته است:

آدم بسیار مستقیم الاطواری ست. چون پیوسته به کار و تبعات خود اشتغال ورزیده، اخلاق او ضایع نشده و فوق العاده اعتنا به رعایت اقتصاد دارد.

و شرح مفصلی درباره این امیر زیر عنوان «ترجمه حال امیر البحر نامدار غیور ژاپون امیرال توغو در هنگام کودکی» به نقل گزارش یکی از روزنامه های امریکایی آورده است.

در شماره ۱۳ سال بیستم جبل المتین (۲۶ رمضان ۱۳۳۰ / ۹ سپتامبر ۱۹۱۲) پس از گزارش مراسم به خاک سپاری امپراتور در گذشته ژاپن آمده که «از فراق امپراطور خود، جنرل نوگی^{۳۱} فاتح بندر آرتهر با زوجه اش خودکشی نمودند» و تفصیل واقعه را چنین نگاشته است:

جنرل نوگی گلوی خود را با کارد بریده و زوجه اش با خنجر شکم خود را دریده، و این واقعه ناگوار وقتی شد که صدای توب دفن اعلیحضرت میکادو به گوش ایشان رسید. این حادثه در خانه

خودشان که در «اکاساکی» ست واقع گردیده زن و شوهر در لباس ژاپونی بودند و قبل از اقدام به خودکشی از جامی که امپراطور به آنها اعطا فرموده بود آخر شربت زندگی نوشیدند. مراسله ای به نام امپراطور نزد آنها دیده شد.

یکی از طلاب که در خانه جنرل نوگی بود بفته آنها را به خون خود غلطان دید!
یوم قبل از آن جنرل نوگی و زوجه اش عکس خودشان را گرفتند و علی الصباح در خانه میکادو به نماز شرکت داشت و این خودکشی خیلی مهم است و خیلی خطوطهای [!] با کیفیت نوشته گذاشته.

ستایشی بلند بالا از وزرا و دولتمردان ژاپن در حبل المتین از زبان یکی از مستشاران خارجی که در خدمت دولت ژاپن بوده آمده است. در شماره ۶ سال سیزدهم (۲ شعبان ۱۳۲۳ / ۲ اکتبر ۱۹۰۵) در مقاله ای با عنوان «ریخته قلم یکی از وزرای با دانش ایران» می خوانیم:

جنرل کولم امریکایی که مرد دانای خیر و متفمن، و جهت طول اقامت در ژاپون از ژاپونیان بصیر و با اطلاع است، چنین می گوید: در سال ۱۸۶۱ دولت ژاپون از امریک مأموری برای اصلاح عمل مالیات و علم اقتصاد طلب نمود، و مجلس سنا تو مرا جهت این خدمت گزید و بدان سوی فرستاد. هنگام ورود به توکیو پابخت ژاپون جمعی از اروپا بیان را فراهم دیدم که هر یک را از دولتی برای کاری خواسته بودند، و زمام امور تماماً به دست آنها بود، و دربار پادشاه ژاپون را هم نوع غربی مشاهده نمودم [...] و مردم به پای ای از او پرستش می نمودند که به تفریر نمی گنجند و همه کس را رؤیت پادشاه ممکن و میسر نبود، و وزرا گاهی که به حضور می رفتند در چند جا باید زمین بیوسند [...] نخست ما را به هیأت اجتماعیه به حضور بردند [...] پس از پرسش حال، نخستین سخنش این بود: «من شما را از مالک بعیده برای آن خواسته ام که امور کشور و لشکر این مملکت را اصلاح کنید و به وزرا و فرزندان وطن من دانش آموزید...». چهارده سال من در ژاپون بودم. روزی که وارد توکیو شدم [...] دولت ابدأ پول نداشت و خزانه تهی بود [...] و شهر توکیو بسیار کثیف و کوچه ها تنگ و تاریک. در هیچ جا یک چراغ روشن نمی شد.

ولی چیزی که مرا امیدوار می داشت و می نمود که رنج ما به هدر نخواهد رفت کردار و رفتار و خوی وزرای آن دولت بود، که با نخستین درجه آرزو در اندیشه آن بودند که از ما کسب هنر و دانش نمایند، و ابدأ در تمام رجال آنها شیوه رشوت خواری دیده نمی شد و هیچ گرد لپو و لعب نمی گردیدند...

بعد از پنج سال وزرا و درباریان که در زیر دست ما بودند و ابدأ اظهار احاطه و اطلاع نمی نمودند، رفته رفته خودشان متصدی امور شده و یک یک ماها را جواب می دادند. تا به جایی

کار را پیش بردند که روزی که من می خواستم از ژاپن به سوی دیار خود برگردم، یکسره کارهای کشور و لشکر در بد اقتدار خودشان بود [۰۰۰] و شهر توکیو دارای خیابانهای بسیار دلفریب شده و شب مانند شهرهای اروپا چون روز روشن بود [۰۰۰] از جمله امتیازی که به ما داده شده بود آن بود که هر وقت ملاقات میکادو لازم می آمد بدون ممانعت به دربار می رفتیم...

سه چهار سال پیش به عزم گردش بدان دیار رفته عالمی دیگر مشاهده نمودم [۰۰۰] در تمام مملکت رشته خط آهن به یکدیگر پیوسته و شهر توکیو بهتر از نیویورک بود و با خیابانهای دلفریب و عمارات عالی...

روز ورود به حضور میکادو رفتم. به پا به ای در احترام من مبالغت فرمود که مرا شرمساری حاصل آمد [۰۰۰] به وزرا و درباریان و نزدیکان خود [۰۰۰] فرمود: این مرد از دوستان دیرین من است و بردوش این کشور منت بزرگی نهاده...

من در وزراء ژاپن چند چیز مشاهده نمودم که سبب این ترقی فوق العاده ژاپن را در سایه همان صفات پست دیده و برگزیده می دانم:

نخست - در هیأت وزرا غرض شخصی مفقود و خیال تمامی مصروف ترقی ملت بود [۰۰۰]؛ دوم - میل مفراطی که به فهمیدن حقایق امور داشتند [۰۰۰]؛ سوم - همدستی و اتفاق و همراهی هیأت وزرا که مثلش به تصور نمی آید. هیچ کاری را بدون مشورت با یکدیگر اجرا نمی دارند [۰۰۰]؛ چهارم - در این مدت مدید که من در آن جا بودم نشنیدم از پست ترین وزرا و وکلای کسی رشوت گرفته خورده باشد، و یا در مسأله ای که راجع به وطن آنهاست خیانت کند [۰۰۰]؛ پنجم - هوش و استمداد غریبی در آنان مشاهده نمودم که به جزئی دستور العمل همه چیز را به خسوی فرامی گیرند، و چون به کفایت آنان کاری رجوع شود به خوبی اداره می نمایند.

حبل المتین می خواهد با آوردن نمونه ژاپن و یاد کردن از اثری که وجود مردان صالح و آگاه در مقام رهبری ملت و کشور در اعتلای ژاپن داشت، رجال دولت ایران را به همت نهادن در راه ترقی ملک و ملت برانگیزد، و به زعم نویسندگان این روزنامه، انقلاب از بالا را تحقق دهد. در دنباله شرح احوال یکی از رجال صالح در شماره ۵ سال سیزدهم (۲۵ رجب ۱۳۲۳/۲۵ سپتامبر ۱۹۰۵) نوشته است:

آثار این حکیم یگانه و دانشمند فرزانه را اگر امنای دولت با دیده غیرت ملی و شیوه شاه پرستی دیده و پیروی از خیالات این مرد وطن دوست دولت پرست می نمودند امروزه دولت ایران از دولت ژاپن بیشتر ترقی نموده بود.

باز، با یاد کردن از شهرت نیک و عزت و احترام امنای ژاپن خواسته است که عین الدوله، صدراعظم وقت را، که از برنشستن او به جای میرزا علی اصغر خان اتابک

شادبها و امیدواربها نشان داده بود، سر غیرت بیاورد (ش ۲۷، س دوازدهم، ۴ صفر ۱۳۲۳ / ۱۰ آوریل ۱۹۰۵):

باری گفتیم نام نیک حیات جاوید است [۰۰۰] امروز در عالم نام میکادو امپراطور ژاپون بلند است، نام امیرالبحر او توغو و نام او یاما و نوژی که پراتور را فتح نمود و اوقودر هر محفل به نیکی برده می شود، زیرا در سی سال به قدر سیصد سال ملت و ملک و لشکر را ترقی داده [۰۰۰] نواب اشرف اسعد والا هم حق این است در انتظام امور خزانه مالیات ید و بیضا [!] نمودند ولی ملت ایران و هیأت اجتماعیه از آن بزرگوار به همین قدرها قانع نتواند شد؛ عموماً در انتظار می باشند.

نیز در شرح احوال امپراتور میجی پس از درگذشت، او اشاره ای هم به توفیق ژاپن در استفاده از خدمت کارشناسان خارجی و برنامه اعزام دانشجو به باختر زمین کرده و بی نتیجه ماندن این کار را در ایران نکوهیده است (ش ۸، س بیستم، ۲۱ شعبان ۱۳۳۰ / ۵ اوت ۱۹۱۲):

بدواً این امپراطور بیدار مغز جوانان با استعداد ژاپون را برای تکمیل علوم و صنایع فوج فوج و گروه گروه به اروپا و امریکه سوق فرمود و نیز بسیاری از علما و فضلا ارباب فن و لیاقت اروپا و امریکه را به خدمات دولتی و مستشاری ادارات مستخدم گرفت و هر قدر متدرجاً ملت ژاپون تعلیم و تربیت حاصل نمودند جایگاه مستشاران خارجی را پر کردند (برخلاف ایران که در عرصه دوازده سال استخدام مستشاران بلژیکی توانسته ایم یک گمرکچی به جای یک ادنی بلژیکی معین نماییم).

ملت و مردم ژاپن

والا ترین فضیلت ژاپونیان از دید حبل المتین، تزهد اخلاقی این مردم است، چنان که در تفسیری (ش ۵، س سیزدهم، ۲۵ رجب ۱۳۲۳ / ۲۵ سپتامبر ۱۹۰۵) پس از تحسین اخلاقی مستقیم و اقتصاد و قناعت ورزی در یاسالار توگو نتیجه گرفته است:

بلی، این اخلاق پسندیده و خوی برگزیده است که امروز ملت ژاپون را مقبوض عالم مدنیت ساخته و به درجه ای ارتقا داده که دشمن هم در توصیف او بی اختیار است. آبا دولت و ملتی که چهل سال قبل نامی از آنان برده نمی شد، دارای چه مزیت اخلاقی بوده اند که امروز بر همه تفوق و برتری جسته اند؟ [۰۰۰] آری، قومی که دارای تهذیب اخلاق باشد همین که قدم به طریق ترقی نهادند مانند برق لامع پیش می روند.

در جای دیگر (ش ۲، س سیزدهم، ۴ رجب ۱۳۲۳ / ۴ سپتامبر ۱۹۰۵) پاسخ مدیر روزنامه حیات چاپ باکورا به مدیحه ای که یکی از خوانندگان آن سروده و فرستاده بوده، چنین نقل کرده است:

از ما هنوز خدمتی در راه ملت و وطن و نوع و عالم انسانیت بروز ننموده که خود را مستحق این گونه

مدح و ثنا بدانیم [...] به ملت سرمشق اسلامیت و انسانیت بدهید. هر وقت ما مانند ملت ژاپون همت و کوشش نموده به تهذیب اخلاق خود دسترش شدیم آن وقت حیات حاضر است در مدح ملت داد سخن دهد.

در نقل یادداشت‌های کوئلم امریکایی که سالها در خدمت مستشاری دولت ژاپن گذرانده بود چنین نوشته است (ش ۶، س سیزدهم، ۲ شعبان ۱۳۲۳ / ۱۲ اکتبر ۱۹۰۵):

من کمتر خلقی مانند ژاپونیان دیده‌ام که تا این پایه خواهشمند ترقی کشور خویش باشند، و در اندک روزی آبادی بسیار در آن کشور نمودار آید.

در جایی هم (ش ۱۵، س دوازدهم، ۵ رمضان ۱۳۲۲ / ۱۴ نوامبر ۱۹۰۴) در مقایسه با قومی دیگر، ژاپن‌یان را جماعتی می‌داند که «لذت وطن دوستی و قومیت و مزه برادری و نوعیت را چشیده و شهد اتفاق و اتحاد و شیرینی [...] ترقی دولت و ملت در گلوبشان چکیده».

سوم: ژاپن، نمونه ترقی برای ایران

اثر پیروزی ژاپن در ذهن ایرانیان

پیروزی ژاپن در جنگ بر روسیه تزاری، قدرتی که حکومت بی کفایت قاجار را مرعوب و ملت را هراسان نگهداشته بود، برای ایرانیان رویدادی بزرگ و سرنوشت ساز بود. «جنگ روس و ژاپن و سیر پیش بینی نشده حوادث در شرق اقصی که در یک برخورد مسلح میان دولتی آسیایی با دولتی اروپایی کفه آسیایی را سنگین تر ساخته بود، اثر روحی و فکری عجیبی در مردم کشور ما بخشید.»^{۳۳} جراید عهد مظفری اعم از دولتی و ملتی پیرامون آزادی و حکومت ملی و حقوق انسانی و مسئولیت عمال حکومت و معایب استبداد کمتر سخن در میان می‌آوردند، [...] به استثنای روزنامه‌هایی مانند جبل المتین کلکته «که گاهی از این بابت به نعل و به میخ می‌زدند؛ بنا بر این تأثیر انتشار اخبار جنگ بونرها و جنگ شرق اقصی در روزنامه‌ها در بیداری و امیدواری مردم بیش از اثری بود که دیگر مطالب جراید برای بیداری خوانندگان بخشیده بود.»^{۳۴}

تأثیر این رویداد در ادبیات عامیانه هم نمودار شد، چنان که «فرار تا پتل پورت» که کنایه از گریختن تند و سراسیمه و بی وقفه باشد، رایج شد، در اشاره به فرار کریین برگ سردار روس که پس از رجز خواندن و لاف زدن بسیار و مجادله نکوهش باری که با سلف خود، کروپاتکین، کرده بود که چرا حریف خصم ناچیز نشده است، به نوشته جبل المتین (ش ۲۴، س دوازدهم، ۶ محرم ۱۳۲۳ / ۱۳ مارس ۱۹۰۵) ژاپنی‌ها قوای او را:

از مرکز خود دور ساخته یک مرتبه چنان بر او ناخند که سرکردگان و سربازان روس دست و پا را گم کرده جلوریز راه فرار پیش گرفتند و جنرل کرین برک چنان خائب و خاسر گردید که بدون ساعتی درنگ تا پترسبرگ آرام نگرفت.^{۳۵}

ژاین، الگوی مناسب برای ایران

جبل المتین ژاین را نمونه ای می داند که ایران برای پیشرفت و در راه سعادت باید دنبال کند. چنان که در مقاله تفسیرمانند و پندآمیز خود (ش، ۲۷، س دوازدهم، ۴ صفر ۱۳۲۳/۱۰ آوریل ۱۹۰۵) از عین الدوله صدراعظم مظفرالدین شاه می خواهد که از تدبیر و اقدامهای ژاین الگو بگیرد و به اصلاح وضع برآید:

... نفوس ایران به همت والا مشخص، و وضع اخذ مالیات تعدیلات کافی به عمل آمده، دستگاه حرب انتظام یافته و به قانون اروپا جمیع ملت داخل سلک جلیل عسکری شده، دوا بر از یکدیگر مجزی و تبولها لغو، خرایبها آباد، جهال عالم، بیخبران از حال عالم باخبر، رسم مساوات مجری گردد....

این رهنمود در حقیقت نسخه داروهای ژاین است که جبل المتین برای درمان دردهای ایران می پیچد. تدابیر نخستین که برای استقرار نظام نوین ژاین پس از نهضت میجی یا احیای قدرت امپراتور، از آغاز سال ۱۸۶۸، اتخاذ و اجرا شد چنین بود:

- ایجاد شوراهای حکومتی
- دعوت از نمایندگان ولایات برای تشکیل مجلس مشورتی در پایتخت
- اعطای حقوق و آزادیهای اساسی به مردم
- تدوین قانون اساسی و قوانین اداری
- تدبیر و ایجاد سازمان نوین برای حکومت
- الغای امتیاز بنیاد رزمی «سامورایی»، و ایجاد نظام اجباری
- تحکیم قدرت حکومت مرکزی
- از میان برداشته شدن خانخانی و الغای تبول و ایجاد استانها
- لغو امتیازهای طبقاتی
- سرشماری جمعیت
- اصلاحات ارضی و مالیاتی و اقتصادی
- ایجاد نظم اداری نوین.^{۳۶}

جبل المتین توصیه می کند که ایران با ژاین پیشرفته و پیروز رابطه نزدیکتر، حتی به صورت اتحاد و اتفاق، ایجاد کند، تا شاید به این وسیله سیاست تهدید و ارعاب دو

قدرت رقیب همسایه را خنثی سازد (از ش ۲، س سیزدهم، ۴ رجب ۱۳۲۳ / ۴ سپتامبر ۱۹۰۵):

از غرائب امور این است که امروزه دولت روس خود اظهار احتیاج کرده خیال دارد بعد از این جنگ از دولت ژاپون استفاده نماید [...] در روزنامه ها خواندیم اعلیحضرت امپراطور به وزیر مختار صلح اختیار داده که ژاپون را به هر قسم باشد راضی کند که بعد از صلح با روس اتفاق کامل نماید. پس در صورتی که از این خوان نعمت دوست و دشمن بهره دارند، چرا دولتی که همسایه روس است فائده نگیرد. سخن را معنا نگوییم؛ پرده برداشته بیان کنم که امروز از ملت و دولت ایران مستحق تری نیست که استفاده از ژاپون حاصل نماید...

نوشداروی مشروطه

جبل المتین مشروطه را سرمایه ترقی و رمز تعالی می داند، حتی برای مردم روس. این روزنامه که در تفسیر سیاسی شماره ۲۲ سال دوازدهم (۲۲ ذیحجه ۱۳۲۲ / ۲۷ فوریه ۱۹۰۵) یاد آور شده بود که:

خساره ای که در این جنگ از ملت جاهل به دولت روس عاید گردید از خسارات وارده خصم برتر و بالاتر است [...] اهالی از ظلم و ستم حکام مستبد دولت به ستوه آمده اند که تا وقتی سختت را مشروطه یا جمهوری قرار ندهند از پای نخواهند نشست.

در شماره ۴۳ همان سال (۲۰ جمادی الاول ۱۳۲۳ / ۲۴ ژوئیه ۱۹۰۵) نوشت:

از اول جنگ در میان ملت ژاپون یک کلمه سخن نفاق شنیده نشد [...] برعکس روسها [...] از اول در میان این قوم نفاق بود؛ صفا و انفاق راه نداشته و نخواهد داشت. سبب این هم [جن] استبداد رجال نبوده و نیست.

اما پس از چند هفته، در سرمقاله شماره ۴۵ آن سال (۱۲ جمادی الثانی ۱۳۲۳ / ۱۴ اوت ۱۹۰۵) به رأی نخستین بازگشته و توصیه کرده است:

امروز صلاح دولت روس در صلح است. به هر نحوی که تواند این جنگ را به ختام رساند [...] بعد از فراغت، مملکتداری ژاپون را سرمشق خود سازد؛ عدالت را به آن درجه رساند تا ترقی او بدان درجه رسد.

و سه هفته بعد (در ش ۲، س سیزدهم، ۴ رجب ۱۳۲۳ / ۴ سپتامبر ۱۹۰۵) مرده داده است:

ملت روسیه از زمان الکساندر دوم در خیال مشروطه نمودن دولت بودند. از حکومت مستبده بیزار شدند، ولی از ترس حکومت قدرت قدم برداشتن و جسارت نفس کشیدن نداشتند؛ نیکو استفاده از این جنگ حاصل نمودند؛ در هر ولایت بلوا و شورش در سر همین مسأله است که دولت مشروطه شود.

هرچه پایان جنگ روس و ژابن نزدیکتر می آید، اشاره های جبل المتین به لزوم برجیدن دستگاه حکومت خودکامه در ایران صریح تر می شود. در شماره ۲۷ سال دوازدهم (۴ صفر ۱۳۲۳ / ۱۰ آوریل ۱۹۰۵) در تفسیر سیاسی درازدامنی پس از برشمردن اهتمام زمامداران ژابن در راه اعتلای کشورشان نوشته است:

بی اعتدالی و استبداد عمرش به آخر رسیده. اگر دولت چین است که در آخرین نقطه آسیا واقع شده بالطبع او را به ترک استبداد و اجرای عدل مجبور می نمایند، و اگر دولت با سطوت روس است باز ملت درصدد مطالبه این حق برمی آید.

در تفسیری در شماره ۴۵ همان سال (۱۲ جمادی الثانی ۱۳۲۳ / ۱۴ اوت ۱۹۰۵) هم در تحسین پیروزی ژابن می خوانیم:

ثمره عدالت و صداقت و پادشاه دوستی این ملت چه خواهد شد: اولاً این قانون جمیع دول است بعد از ختام جنگ دولت غالب از مغلوب تضمینات حرب می گیرد به زحمتکشان جنگ به صوابد بد مجلس شورا به فراخور حال هر یک از صاحبمنصبان انعام می دهد [...] شهرت میکادو از شهرت جمشید و پطر و ناپلیون فروتر شود. هر کس نام این ملت را با احترام یاد خواهد کرد. اگر کسی با ژابون نیم ساعت مصاحبت نماید فخر شمرد. با وجود آن قد کوتاه و چشم خورید [= خرد] و رنگ زرد [و] صورت بد امروز محبوب القلوب دوست و دشمن شده [...] این است سعادت دنیا و نتیجه امانت و درستکاری [...] وای به حال خائنان که شرمنده دنیا و آخرت شده از نتیجه عمل خود دائماً دل در پیچ و تاب [...] پسر فلان خان یا نبیره فلان حضرت اجل که در لباس مسلمانی ست ولی خالق را فریب نتوان داد [...] اکثر مسلمین از دست و زبان این گونه مسلمانان در تعبد. خدا بیزار است از این مسلمانی. غرض از کرده های ژابن تعجب نباید کرد.

اگر بت پرستند از آموزگار بهل بت برایشان بیاموز کار

باز در تابستان همان سال (ش ۵، س سیزدهم، ۲۵ رجب ۱۳۲۳ / ۲۵ سپتامبر ۱۹۰۵)، پس از پیروزی نهائی ژابن در جنگ، در مقاله ای پس از شرح احوال و فضیلت های شماری از سران و سرداران ژابن نتیجه گرفته است:

این اخلاق پسندیده و خوی گزیده است که امروز ملت ژابون را مغبوط عالم مدنیّت ساخته [...] آیا دولت و ملتی که چهل سال قبل نامی از آنان برده نمی شد دارای چه مزیت اخلاقی بوده اند که امروز بر همه تفوق و برتری جسته اند؟ تهذیب اخلاق [...]. تهذیب اخلاق نصیب هیچ قوم نجیبی نخواهد شد، مگر قانون مساوات که سرمایه هرگونه اتحاد ملی ست در میان آنان رعایت و برقرار آید، و هیچ دولت نمی تواند نعمت مساوات را به تبعه و زیردستان خود عطا فرماید مگر با رفع استبداد، و ریشه استبداد قطع نمی شود الا در سایه کنکاش عمومی.

این تحلیل جبل المتین که تهذیب اخلاق ملی را در یک سلسله علت یابی سرانجام به ترتیب به مساوات یا عدل و رفع استبداد، و درنهایت به برقرار شدن حکومت مبتنی بر شورا یا کنکاش عمومی ربط می دهد همان پیوندی است که اندیشمندان ایرانی در سده های میانه، مردانی مانند نظام الملک و رشید الدین فضل الله میان عدل و بقای حکومت شناخته و با این توجیه فرمانروایان خود کامه را به رعایت انصاف و رعیت پروری رهنمون شده اند.^{۳۷}

جبل المتین در مقاله ای که پس از درگذشت امپراتور میجی و در تجلیل او نگاشت (ش ۸، س بیستم، ۲۱ شعبان ۱۳۳۰ / ۵ اوت ۱۹۱۲) گفته است:

در حقیقت امپراطور ژاپون از شکست روس اساس مشروطیت را در شرق متشر ساخت، و اول دولتی که بعد از ژاپون در شرق با به دایرة مشروطیت نهاد ایران بود...

روشن ترین سخن جبل المتین در تأثیر احوال ژاپن و رویدادهای برآمده از آن جا در نهضت مشروطه خواهی ایران در تفسیری است که در شماره ۱۲ سال بیستم (۱۷ رمضان ۱۳۲۳ / ۲ سپتامبر ۱۹۱۲) زیر عنوان «کشف حقیقت یا توضیح واضحات» آورده است:

یک اسباب خارجی هم به خواست خدا در کار آمد، و آن جنگ اقصای شرق و شکست فوق العاده دولت روس بود که یکباره پرده از روی خیالات ملت برداشته و فهمیدند که با جنبش ملی امکان دارد که یک دولت آسیایی علاوه از آن که به حقوق خود نائل شود می تواند به تدریج خویشان را از احتیاجات و رعب خارجه منخلص ساخته با دول اروپا دم از همسری و برابری بلکه بهتری و بالاتری زند (در حقیقت پرده ای را که سلاطین قاجار و درباریان خائن به ملاحظات و اغراض شخصی پیش چشمان ایرانیان کشیده بودند خرق کرده).

پس عقلای ملت تبادل آراء کرده بعد از مذاکره و ملاحظات دیدند که کار به اندازه ای خراب است که دیگر امکان صبر کردن و به انتظار نشستن که به مجرای طبیعی در سلک انتظام آید نیست، و وقت خیلی تنگ و شیرازه مملکت از هم گسیخته است [...] لذا در صدد برآمدند حالا که شاه به فکر اصلاح مملکت نیست ملت به خیال افتاده تا زود است کاری کرده علاجی به دردهای بی درمان نمایند.

و در دنباله این تفسیر، سابقه و جریان جنبش مشروطه خواهی در ایران را شرح داده است.

دانشگاه مطالعات خارجی اوساکا، ژاپن

یادداشتها:

۲۹- «میکادو» در لغت به معنی «آستان مبارک» یا دروازه شریف است، همان که در اصطلاح عثمانی قدیم «باب عالی» می گفتند. این عنوان را بیشتر خارجیا برای امپراتور ژاپن به کار می بردند. خود ژاپنیا از امپراتورشان با نام

تن شی (Tenshi) یا تنو (Tenno) یا عنوانهای دیگر یاد می کنند. رک:

E. Papinot; *Historical and Geographical Dictionary of Japan*, Charles E. Tuttle, Tokyo, 1972.

۳۰ - اشاره به هیأت سفارتی مت که در سال ۱۲۹۷ هـ. ق. / ۸۱-۱۸۸۰ م. از ژاپن به دربار ناصرالدین شاه فرستاده شد. برای شرح این سفارت رک: یوشیدا ماساهارو؛ سفرنامه یوشیدا ماساهارو، ترجمه و تحقیق هاشم رجب زاده، نشر آستان قدس، ۱۳۷۳.

۳۱ - نوگی دارای فضیلت‌های والای سربازی بود، و مردم ژاپن هنوز قهرمانیها و خصال یگانه او را می ستایند و از زندگی نظامی و فرجام کار او فیلمها و نما یشتنامه های بسیار ساخته اند.

پس از پایان گرفتن جنگ جانانه در پورت آرتور و تسلیم شدن قوای روس، دریا سالار ژاپنی استل فرمانده شکست خورده را پذیرفت و به او اجازه داد که شمشیر ببندد و در پایه مساوی با او دیدار کند. او از استل برای دفاع دلیرانه اش تحسین کرد، و سردار روس هم شجاعت سربازان ژاپنی را ستود و نیز کشته شدن دو پسر نوگی را در جنگ تلیت گفت و اسب سفیدش را به او پیشکش کرد. نوگی آن را پذیرفت و تقدیم امپراتور کرد. نوگی چون بازگشت و به خاک میهن قدم گذاشت گفت دوست دارد که صورتش را با کلاه حصیری بیوشاند، و نمی خواهد چنان قهرمانی باشد که درباره اش این مثل بر سر زبانهاست که «هزاران سرباز می میرند تا سرداری را قهرمان و نامور سازند.»

از آن پس نوگی زندگی را هرچه کمتر ارزش می نهاد. در سال ۱۹۱۲ که امپراتور میجی درگذشت و در روز به خاک سپاری او، نوگی در خانه اش در توکیو به رسم سامورایی خودکشی کرد و همسرش نیز.

۳۲ - این تاریخ درست به نظر نمی آید زیرا که در این سال (۱۸۶۱) هنوز نهضت بازگشت قدرت به امپراتور و تجدید ژاپن (از سال ۱۸۶۸) آغاز نشده بود و گروه کارشناسان خارجی به ژاپن نیامده بودند. تاریخ درست احتمالاً ده یا بیست سال پس از این است.

۳۳ - محیط طباطبائی (۲۴)، ص ۹۳.

۳۴ - همان، ص ۹۹.

۳۵ - کسروی هم درباره این تأثیر نوشته است:

«چنین رخ داد که در آن زمان نخست جنگ ترانسوال و انگلیس برخاست، و سپس جنگ ژاپون و روس پیش آمد. تا چند سال این جنگها در میان بود، و روزنامه ها داستانهای آنها را می نوشتند، و بیدار شدگان با خشنودی و دلخوشی آنها را می خواندند و سخت می سپیدند. این داستانها در ایران، کار بسیار کرده. دلیریهای یک مشت ترانسوالی، و ایستادگیهای مردانه آنان در برابر دولت بزرگی همچون انگلیس، و شکنهایی که چند بار به سپاه این دولت دادند، و همچنین لشکرهای آماده ژاپون، و کاردانیهای سرداران ایشان، و فیروزیهایی که می یافتند، ایرانیان را تکان سختی می داد. ژاپون که تا چندی پیش گمنام بوده و در سایه مشروطه و تکان توده به این جایگاه رسیده بود، درس بزرگی به ایرانیان می آموخت، و همه را می سباند. داستانهای این جنگ چندان پراکنده گردید و شناخته شد که نامهای «پورت آرتور»، و «مارشال اوپاما» و «جسرال گرویانگین» و مانند اینها زیانزد مردم گردید، و مثلاً اگر کسی برتری فروختی یا به خود بالیدی چنین گفتندی: «مگر پورت آرتور را گشاده ای که چنین می بیالی؟!...». و بسیاری از نویسندگان گزافه نویسبایی از میهن دوستی ژاپونیان، و از نیکخویی، و از خردمندی آنان می نوشتند. یکی از سودهایی روزنامه ها، چنان که گفتیم، این بود که مردم را از این پیشامدهای بزرگ جهان آگاه می گردانیدند، و از آن سوی رو آوردن مردم به اینها نشان پیشرفت تکان و بیداری شمرده می شد (احمد کسروی، ← ۵، ص ۱۴۱).

۳۶- برای شرح این تدابیر و نحوه اجرای آن رک. هاشم رجب زاده، تاریخ زاپن از آغاز تا معاصر، ۱۳۶۶، ص

۲۵۱۵۲۱۷.

۳۷- رشیدالدین فضل الله همدانی (۶۳۸ تا ۷۱۸ ه. ق.) مورخ، دانشمند و وزیر سه تن از پادشاهان ایلخانی ایران در یکی از نوشته های خود در تأکید بر ملازمت رعیت داری با عدل، این معنی را به صورت دایره ای نشان داده و گفته است: «پادشاهی حاصل نمی شود مگر با لشکر، و لشکر را به مال توان جمع آورد، و مال از رعیت حاصل شود، و رعیت را نیز به عدل می توان نگاهداشت.» (رشیدالدین فضل الله همدانی، سوانح الافکار رشیدی، به کوشش استاد محمد تقی دانش پژوه، تهران، ۱۳۵۸، ش ۲۳، ص ۱۱۳).

محمد نخجوانی نیز همین مفهوم را چنین بیان کرده است: «ضبط مملکت بی لشکر میسر نشود، و از لشکر بی مال کاری نیاید، و مال حاصل نشود مگر به عمارت، و عمارت دست ندهد الا به عدل و سیاست. اساس مجموع آبادانی بر عدل و سیاست است» (دستور الکاتب فی تعیین المراتب، به کوشش ع.ع. علی زاده، مسکو، ۱۹۶۴، ص ۱: ۱۵۸). نیز برای این موضوع رک: هاشم رجب زاده، آیین کشورداری در عهد وزارت رشیدالدین فضل الله همدانی، تهران، ۱۳۵۵، ص ۱۰۵ و بعد.

*

چند سطر زیر را به بخش اول این مقاله، در صفحه ۳۲۵، سطر اول، پس از عبارت «... و نزد روزنامه خوانان و دانش آموختگان دارای اعتبار بود»، بیفزایید:

به ژاپن هم می رسید. مخبر السلطنه هدایت در شرح سفر خود همراه اتابک، میرزا علی اصغر خان امین السلطان، به ژاپن (دسامبر ۱۹۰۳) نوشته است: «حضور اتابک در توکیو البته در روزنامه ها عنوان شده بود. دوازده نفر از طلاب هندی به هتل آمدند و نسخه ای از جبل التین همراه داشتند. کل و اول فارسی می دانستند...» (سفرنامه تشریف به مکه معظمه از راه چین، ژاپن و امریکا، ص ۱۰۷).

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی